

تعلیقات مسعود راستی‌پور و احسان پورابریشم منتشر شده است. با نگاهی به این دیوان می‌توان دریافت کججی غزل‌های فراوانی به اقتفای غزل‌های سعدی سروده است، و گاهی مصراع‌هایی از شیخ سعدی را نیز تضمین کرده است، که مصححان در تعلیقات به این موارد اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: کججی تبریزی، ۱۳۹۵، یادداشت‌های ابیات ۱۱۹۷، ۱۳۵۶، ۱۵۸۸، و ۱۶۵۴). اما در این دیوان، نشانه‌های تأثیرپذیری کججی تبریزی از حافظ نیز به چشم می‌خورد، به این معنی که کجج در سرودن بعضی از غزلیات خود، در وزن، قافیه، ردیف و مضمون به بعضی از غزلیات خواجه حافظ شیرازی نظر داشته است، و این نشانگر شهرت و رواج دیوان حافظ، در سده هشتم و در روزگار خودش، در آذربایجان است. نگارنده این یادداشت دیوان‌های هم‌ام تبریزی (۶۳۶-۷۱۴هـ)، خواجه‌ی کرمانی (۶۸۹-۷۲۵هـ)، کمال خجندی (د. ۸۰۳هـ)، ناصر بخارایی (ولادت: ۷۱۵ تا ۷۲۰هـ - درگذشته ۷۸۱ تا ۷۹۰هـ) سلمان ساوجی (د. ۷۷۸هـ)، اوحدی مراغه‌ای (۶۷۳-۷۳۸هـ) را نیز بررسی کرد، تا اگر کججی در بیت یا غزلی از کسی جز حافظ تأثیر پذیرفته بود، آشکار شود و به عبارتی تأثیرپذیری کججی از هم‌عصران حافظ با تأثیرپذیری وی از حافظ اشتباه نشود.

اما آن غزل‌های کججی، که به نظر می‌رسد به تقلید از حافظ سروده شده است، این‌هاست:

نخست.

غزلی به مطلع زیر:

به آستان عزیزت که آن پناه من است  
که جان و دل به تو دادم، خدا گواه من است  
(کججی، ۱۳۹۵: ۸۶)

که ظاهراً تقلید غزلی است از حافظ به مطلع:

منم که گوشه میخانه خانقاه من است  
دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است  
(حافظ، بی‌تا: ۳۸)

حافظ در همین غزل می‌گوید:

غرض ز مسجد و میخانه‌ام وصال شماس  
جز این خیال ندارم، خدا گواه من است  
(همانجا)

## رد پای حافظ در دیوان کجج تبریزی

و نکته‌ای فراموش شده در شرح احوال او

احمد بهنامی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی  
ahmadbehnam@yahoo.com

حافظ به روزگار خود شاعری مشهور بوده، و شعرش در همان ایام نیز رواج تمام داشته است. یکی از اجزاء بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، مشتمل بر شعر شماری از شاعران قرن ۸ق/۱۴م، به قلم «الصاحب المعظم شهاب‌الدوله و الدین بن الصاحب شمس‌الدین محمد شهاب» است که در آن غزلی هم از حافظ با عنوان «مولانا شمس‌الدین محمد حافظ دام‌فضله» آمده است. این مجموعه در شوال ۷۸۲ق تألیف شده است و افزون بر آن از جمله دعائیه هم پیداست که در زمان حیات حافظ گرد آمده بوده است. در همان بیاض (۲/۲۹۹) و در رساله مظفرالدوله ملک‌السلمانی، هم غزلی از حافظ فقط با عنوان و لقب «مولانا شمس‌الدین» آمده است. همچنین شاعران و نویسندگانی چون معین‌الدین یزدی، روح عطار، کمال خجندی و نظام‌الدین شامی که جملگی معاصر حافظ بوده‌اند، بعضی از اشعار او را در آثار خود ذکر کرده‌اند، یا به استقبال غزل‌های خواجه رفته‌اند و یا صریحاً از او نام برده‌اند. (سجادی، ۱۳۹۰: ۵۸۵-۵۸۶)

این شهرت و رواج اشعار حافظ در مهم‌ترین منبع روزگار او نیز تأیید شده است؛ دوست و هم‌درس حافظ، محمد گلندام درین باره گفته است:

لاجرم رواج غزل‌های جهانگیرش در ادنی مدتی به اقصای ترکستان و هندوستان رسیده، و قوافل سخنهای دلپذیرش در اقل زمانی به اطراف و اکناف عراقین و آذربایجان کشیده.  
(حافظ، بی‌تا: قد)

به‌تازگی دیوان خواجه غیاث‌الدین شیخ محمد کججانی تبریزی مشهور به خواجه‌شیخ (د. ۷۷۸هـ) با مقدمه، تصحیح و

که یکسانی قافیه و عبارت کاملاً هویدا است. علاوه بر این، بیت دوم این غزل کجج تبریزی، چنین است:

چو آستان درت هست قبله مقصود  
 گمان مبر که مغیلان حجاب راه من است

(کججی، ۱۳۹۵: ۸۶)

که تصویر آن یادآور بیتی از غزل دیگر حافظ است:

در بیابان گربه شوق کعبه خواهی زد قدم  
 سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

(حافظ، بی تا: ۱۷۲)

دوم.

غزل دیگری از کجج به مطلع:

دل و جانم پر از محبت اوست  
 دیده روشن به نور طلعت اوست

(کججی، ۱۳۹۵: ۱۵۷)

ظاهراً به پیروی از غزل حافظ به مطلع:

دل سراپرده محبت اوست  
 دیده آینه‌دار طلعت اوست

(حافظ، بی تا: ۴۰)

سروده شده و مصححان نیز در تعلیقات به این موضوع اشاره کرده‌اند (کججی، ۱۳۹۵: ۲۲۷). شباهت‌های این غزل کجج تبریزی با غزل حافظ به قدری است که تقریباً جای شک نمی‌گذارد که این غزل، به اقتضای غزل حافظ گفته شده است. از جمله در بیت دوم می‌گوید:

همت عالیم قدش خواهد  
 حظ هر یک به قدر به قدر همت اوست

(کججی، ۱۳۹۵: ۱۵۷)

و حافظ گفته است:

تو و طوبی و ما و قامت یار  
 فکر هر کس به قدر همت اوست

(حافظ، بی تا: ۴۰)

سوم.

دو غزل کجج تبریزی، یکی به مطلع:

از آن توفارغی از حال خستگان فراق  
 که در دلت اثری نیست از نشان فراق

(کججی، ۱۳۹۵: ۱۹۶)

و دیگری به مطلع:

خبرنداری از حال خستگان فراق  
 بیا و در رخ زردم بین نشان فراق

(کججی، ۱۳۹۵: ۱۹۶)

ظاهراً به اقتضای غزل حافظ به مطلع:

زبان خامه ندارد سربیان فراق  
 و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق

(حافظ، بی تا: ۲۰۱)

سروده شده است.

چهارم.

کجج تبریزی می‌گوید:

دل من بی سر زلف تو نگیرد آرام  
 چه دهم شرح که چون می‌گذراند ایام...

و در بیت پنجم همین غزل می‌گوید:

دانه خال تو در حلقه زلفت چو بدید  
 مرغ جانم ز هوا آمد و افتاد به دام

(کججی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

و حافظ گفته است:

مرحبا طایر فرخ پی فرخنده پیام  
 خیر مقدم چه خبر دوست کجا راه کدام...

مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صغیر  
 عاقبت دانه خال تو فکندش در دام

(حافظ، بی تا: ۲۱۱)

البته در دیوان او حدی مراغه‌ای نیز غزلی به این وزن و قافیه هست (نک. او حدی مراغی، ۱۳۴۰: غزل ۴۶۱) و سلمان ساوجی نیز قصیده‌ای به این وزن و قافیه دارد (نک. سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)؛ اما طرز بیان کجج تبریزی در بیت پنجم غزلش بیشتر به بیت حافظ مانده است و تصویر بیت او، کاملاً با تصویر بیت حافظ یکی است و همین، حدس ما را، مبنی بر اینکه این شعر را به پیروی از خواجه حافظ گفته است، تقویت می‌کند.

فواید جامع‌الاحان مراغی در شرح احوال کجج تبریزی

یکی از منابعی که در نوشتن شرح احوال کججی توسط مصححین نادیده گرفته شده است، جامع‌الاحان عبدالقادر

کجج تبریزی، در دربار سلطان حسین خان، با سلمان ساوجی و بسیاری از فضلا مرآوده داشته است.

در همین کتاب جامع‌الالحان، مراغی اشعار «نوبت مرتب که در مقام حسینی روز اول ماه رمضان» ساخته است را نقل کرده، که در این میان سه بیت از کجج تبریزی نیز به چشم می‌خورد (این ابیات در دیوان کجج تبریزی، ص ۵۹ نیز آمده است) و نشان می‌دهد که این ابیات را در مقام‌های حسینی و اصفهان و حجازی و بزرگ و عشاق و راست و عراق و زنگوله و نوا و بوسلیک و راهوی و زیرافکنندمی خوانده‌اند (مراغی، ۱۳۸۸: ۲۷۶). اما اشعاری که در جامع‌الالحان از کجج تبریزی نقل شده است، منحصر به این سه بیت نیست (برای آگاهی از سایر ابیات کجج تبریزی در جامع‌الالحان، نک: خضرائی، ۱۳۹۵) همچنین در جامع‌الالحان، در بخش خاتمه و در «المجلس العشرون فی صفة اللیل و الصبح و الشمع و البروانه»، ابیات بسیاری از شاعران مختلف آمده است که بر وزن و قافیة شعر حافظ به مطلع زیر است:

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع  
 شب‌نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع  
 (حافظ، بی تا: ۱۹۹)

در این میان دو بیت از کجج تبریزی به چشم می‌خورد:  
 تا برآمد آتش عشق از گریبانم چو شمع  
 شد روان خون دل از رخ تا به دامانم چو شمع  
 گر کسی پرسد که کججو چون از سودای عشق  
 گویم ای نادان نمی‌بینی که سوزانم چو شمع  
 (مراغی، ۱۳۸۸: ۳۴۵؛ خضرائی، ۱۳۹۴: ۲۷)

البته سلمان ساوجی نیز ابیاتی در این وزن دارد (نک. مراغی، ۱۳۸۸: ۳۴۵) و بعید نیست حافظ و کجج، هر دو به اقتفای سلمان رفته باشند.

#### منابع

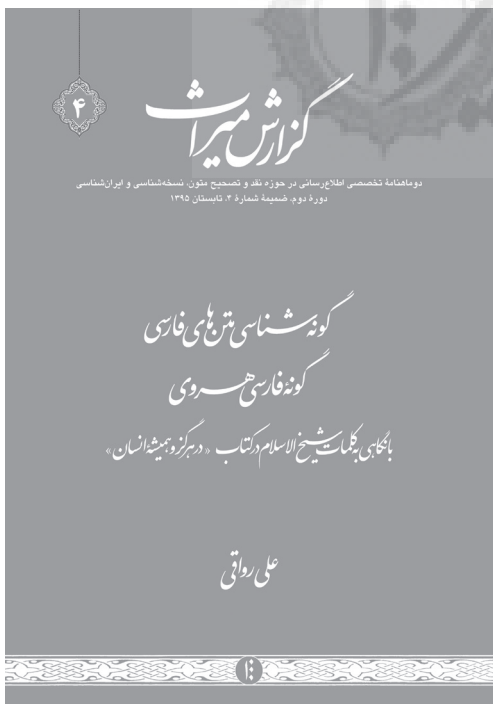
- اوحدی مراغی (۱۳۴۰). کلیات اوحدی. به تصحیح و مقابله سعید نفیسی. تهران: امیرکبیر.
- سجادی، صادق (۱۳۹۰). «حافظ». در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۹: ۵۸۳-۵۹۴.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (بی تا). دیوان. به اهتمام محمد

مراغی است (نک. خضرائی، ۱۳۹۴: ۲۶). با وجود اینکه مصححان به «آمدن سه بیت از یک غزل کججی (با مطلع «گل چو بیرون آمد از خلوت‌سرای خویشتن») در جامع‌الالحان اشاره کرده‌اند» (همانجا؛ کججی، ۱۳۹۵: بیست و یک، ۵۹) در جامع‌الالحان، ماجرای نقل شده است که از آن نکاتی از زندگی شیخ کججی و ارتباط وی با شاعران و فضیلت هم‌عصر وی در دربار سلطان حسین بن سلطان شیخ اویس به دست می‌آید.

خلاصه ماجرا این است که در تاریخ بیست و نهم شعبان سال ۷۷۸ هـ. در مجلس سلطان جلال‌الدین حسین خان بن سلطان شیخ اویس، در حالی که «شیخ‌الاسلام خواجه‌شیخ الکججی و دستور اعظم امیر شمس‌الدین زکریا و سایر اکابر و افاضل که در آن زمان بودند» و «مولانا جلال‌الدین فضل‌الله العبیدی و مولانا سعدالدین کوچک و مولانا عمر تاج خراسانی» و «خوش‌خوانان و استادان مصنف و متعینان دهر مثل خواجه رضی‌الدین رضوان‌شاه مصنف و استاد عمر شاه و استاد بوکه و نورشاه و غیرهم» حاضر بوده و بحث علمی و عملی موسیقی می‌کرده‌اند، مراغی ادعا می‌کند که در یک ماه رمضان، هر روز «نوبتی» خواهد ساخت تا در پایان، سی نوبت موسیقی مرتب ساخته باشد. برخی از اهل موسیقی حاضر در مجلس این کار را غیرممکن می‌دانند و خواجه رضوان‌شاه می‌گوید: «شاید که از قبل این ساخته باشد، اکنون گوید». مراغی در پاسخ می‌خواهد ابیات و اشعار هر نوبت را خود انتخاب کند و دوره‌های نغمات و ادوار ایقاعی را نیز خود مشخص سازند تا وی بر اساس آنها، این نوبت‌ها را هر روز بسازد. در واقع به‌مانند شاعران که به بدیه‌سرایی می‌پرداختند و برای آزمایش طبع آنان، دیگران کلماتی را مشخص می‌کردند تا آنان به بدیهه اشعاری با درج آن کلمات بسازند، مراغی نیز از آنان می‌خواهد اشعار و دوره‌های موسیقی را خود به صورت روزانه انتخاب کنند تا وی بر آن اساس «نوبتها» را بسازد. برای این امر، سلطان جلال‌الدین حسین، کسانی را تعیین کرد؛ تعیین صنایع‌الالحان و ایقاع را برعهده استادان مصنف به اتفاق خواجه رضوان‌شاه گذاشت و تعیین اشعار را برعهده خواجه‌شیخ (یعنی کجج تبریزی؛ نک: کججی، ۱۳۹۵: ده) و امیر زکریا و مولانا جلال‌الدین فضل‌الله عبیدی و خواجه سلمان ساوجی نهاد (نک. مراغی، ۱۳۸۸: ۲۷۴-۲۷۵). این مطلب نشان می‌دهد که خواجه‌شیخ

- قزوینی و قاسم غنی. تهران: کتابخانه زوار.
- خضرائی، بابک (۱۳۹۴). «اشعار غیاث‌الدین کججانی در جامع‌الاحان». گزارش میراث، سال نهم، شماره سوم و چهارم: ۲۶-۲۸.
- خواجه‌سوری کرمانی (۱۳۶۹). دیوان. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: پازنگ.
- سلمان ساوجی (۱۳۶۷). دیوان. به اهتمام منصور شفق. تهران: انتشارات صفیعلیشاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). کلیات سلمان ساوجی. به تصحیح عباسعلی وفایی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کججی تبریزی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۵). دیوان
- غیاث‌الدین کججی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات مسعود راستی‌پور و احسان پورابریشم. تهران: میراث مکتوب.
- کمال خجندی، کمال‌الدین مسعود (۱۳۳۷). دیوان کمال‌الدین مسعود خجندی. به تصحیح عزیز دولت‌آبادی. تبریز: کتابفروشی تهران.
- مراغی، عبدالقادر بن غیبی (۱۳۸۸). جامع‌الاحان. مقابله و ویرایش بابک خضرائی. تهران: فرهنگستان هنر.
- ناصر بخارایی (۱۳۵۳). دیوان اشعار ناصر بخارایی. به کوشش مهدی درخشان. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- همایون تبریزی، محمدبن فریدون (۱۳۵۱). دیوان همایون تبریزی. به تصحیح رشید عیوضی. تبریز: دانشگاه تبریز.

۲. نقد و بررسی شماری از واژه‌های «کلمات‌الاسلام» و سنجش آنها با دیگر متن‌های حوزه هرات.
۳. ویژگی‌های واژگانی کتاب بخشی از تفسیری کهن به پارسی.
۴. بررسی واژگانی و ساختاری ویژه گونه هروی.
۵. آیا خواجه عبدالله انصاری تفسیری داشته است؟



### ضمیمه‌های گزارش میراث

گونه‌شناسی متن‌های فارسی  
 گونه فارسی هروی

با نگاهی به کلمات شیخ‌الاسلام در کتاب «در هرگز و همیشه انسان»

علی رواقی

در این ضمیمه با نگاهی به کلمات خواجه عبدالله انصاری در کتاب در هرگز و همیشه انسان (به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۹۴) به بررسی گونه فارسی هروی پرداخته شده و ویژگی‌های واژگانی و ساختاری و آوایی این گونه زبانی بررسی شده است. این اثر در پنج بخش نگاشته شده است:

۱. ویژگی‌های واژگانی «کلمات شیخ‌الاسلام» در کتاب در هرگز و همیشه انسان با نگاهی به دیگر آثار خواجه عبدالله انصاری.